



کمیسیون حقوق بشر از سازمان ملل خواستار بررسی تخصصی حمله بر مکتب سیدالشهدا شد



۲

ملا هبت الله از پیامد
نقض توافق نامه‌ی دوحه
به امریکا هشدار داد

صفحه ۲

دختران ربات ساز هرات
نگران آمدن طالبان اند

صفحه ۵

اتهام فروش «دسترسی
تجاری به کرملین» علیه
پسرعموی ملکه بریتانیا

صفحه ۶

استراتژی‌هایی برای
پیشگیری و مواجهه با
حملات تروریستی



صفحه ۸

یادداشت روز

فاجعه‌ی کابل؛ مردم میان دو سنگ آسیاب

ابعاد و بزرگی حمله تروریستی بر مکتب دخترانه‌ی سیدالشهدا یک روز پس از حادثه بیشتر روشن شد. آمار تلفات به بیش از ۵۰ کشته و ۱۰۰ زخمی افزایش یافت. تمام قربانیان کودکان و دانش‌آموزان مکتب و ساکنان محل هستند. آنچه بعد از ظهر روز شنبه در کابل رخ داده فاجعه‌ی تمام‌عیار انسانی و جنایت علیه بشریت است. ماهیت رویداد ادامه‌ی سیاست کشتار غیرنظامیان و عطش انسان‌کشی گروه‌های تروریستی است. حمله بر مکتب و کشتن کودکان در هیچ جنگی توجیه‌پذیر نیست. عاملان این رفتار از انسانیت تهی و ذوب در ایدئولوژی خشونت شده‌اند. کودک‌کشی تنها از عهده‌ی چنین ایدئولوژی برمی‌آید. مردم غرب کابل در میان دو سنگ آسیاب گیر کرده‌اند. تروریستان به هدف نسل‌کشی از هدف فرار دادن هیچ جای و گروهی دریغ نمی‌کنند. یک ویژگی اصلی نسل‌کشی این است که در طی آن یک گروه انسانی شناسایی شده و هدف قرار می‌گیرد. حمله تروریستی بر مکتب سیدالشهدا و حملات مشابه قبل از آن...

۲

بقایای موشک فضایی سرگردان چین در اقیانوس هند سقوط کرد

اطلاعات روز: بخشی از موشک چینی که پس از پرتاب به فضا از کنترل خارج شده و محل برخورد آن با زمین نامعلوم بود، سرانجام صبح یکشنبه وارد جو زمین شد و در غرب مالدیو در اقیانوس هند...



«رنال به من
همه چیز داده»
رنال نگران نیست؛
زیدان می‌ماند

۷

چهار نیروی امنیتی
در حمله‌ی نفوذی
طالبان در ارزگان
کشته شدند



۲

مرگ، بی‌کسی، درماندگی

روایت قربانیان حمله به مکتب سیدالشهدای دشت برچی

عصر روز شنبه گم شده است. خانواده و بستگانش تمام شب را برای یافتن او صبح کرده‌اند. همه شفاخانه‌های کابل را، فهرست زخمیان را که روی دیوارها نصب شده و صف طولانی جنازه‌ها را که در راهروهای شفاخانه‌ها زیر پارچه‌های سفید دراز افتاده‌اند، بررسی کرده‌اند...

گرمی کم‌جان آفتاب تازه بر کوچی ماتم‌زده‌ی مکتب سیدالشهدا تابیده است. تعداد زیادی با چشم‌های بادکرده در محل انفجار برای یافتن نشانی از گمشدگان‌شان کلافه و بی‌حوصله می‌گردند. از جمله سلیم ۳۵ ساله که دنبال سرخی از شکرپه می‌گردد. شکرپه‌ای که از ساعت ۴



منافع چین در تیررس تحریک طالبان پاکستان؟

در ۲۱ اپریل موتوری مملو از مواد منفجره در محوطه‌ی پارکینگ هتل سرینا در کوئته، مرکز ایالت ناآرام بلوچستان، منفجر شد. در این حمله ۵ نفر کشته و ۱۲ نفر دیگر زخمی شدند. تحریک طالبان پاکستان مسئولیت انفجار مرگ‌بار کوئته را برعهده گرفت...

در جست‌وجوی صلح؛ ۳۰ سال فاصله و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو وضعیت

افغانستان امروز شاهد تکرار بعضی از وقایعی است که ۳۰ سال قبل در زمان حکومت نجیب اتفاق افتاد. در آن زمان نجیب تصمیم گرفت برای پایان دادن به جنگ، طرحی صلح را برای مجاهدین پیشکش کند. او این طرح را با شماری از افرادی که فکر می‌کرد در گسترش و بهبود طرح کمکش خواهند کرد، شریک کرد. یکی از کسانی که دریافت‌کننده‌ی طرح داکتر نجیب بود و با آن هم‌نوایی نشان داد، دکتر محمدحسن کاکر بود. آقای کاکر و داکتر نجیب ایده‌های‌شان را طی سه نامه با همدیگر شریک کردند که این نامه‌ها توسط شماری از دانشگاهیان و اهالی سیاست و حکومت بررسی شده و طی دو رساله‌ای از مجموعه مقالات به فارسی، پشتو و انگلیسی توسط بنیاد تاریخی کاکر و جامعه قلب آسیا نشر شده است...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

کمیسیون حقوق بشر از سازمان ملل خواستار بررسی تخصصی حمله بر مکتب سیدالشهدا شد

قربانیان جنگ از دیگر خواست‌هایی است که در اعلامیه‌ی کمیسیون حقوق بشر افغانستان مطرح شده است. این درحالی است که در حدود ده روز اخیر دو حمله‌ی بزرگ موتر بمب در ولایت لوگر و غرب شهر کابل رخ داده است. در نتیجه‌ی این دو رویداد ده‌ها غیرنظامی به‌شمول دانش‌آموزان کشته و زخمی شده‌اند.

تنها در حمله‌ی دو روز پیش بر مکتب سیدالشهدا در غرب کابل، بیش از ۵۰ غیرنظامی که بیشترشان دانش‌آموزان بودند، کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

رئیس‌جمهور اشرف غنی برای «ادای احترام» به قربانیان این دو حمله‌ی بزرگ، روز سه‌شنبه هفته‌ی جاری را در سراسر کشور و نمایندگی‌های سیاسی افغانستان در خارج عزای عمومی اعلام کرده است. مسئولیت حمله بر مکتب سیدالشهدا را تا کنون هیچ گروهی بر عهده نگرفته است. دولت و طالبان یک‌دیگر را به دست داشتن در این حمله متهم کرده‌اند.



دو روز پیش بر مکتب سیدالشهدا شامل این آمار نیست.

کمیسیون حقوق بشر همچنان از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته است که باید قطع‌نامه‌ای در مورد «تراژیدی‌های بزرگ اخیر»، افزایش جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان صادر کرده و به شناسایی عاملان و بازخواست از آنان متعهد شود.

ایجاد کمیسیون تحقیق بین‌المللی، جبران خسارت و مستندسازی و شنیدن صدای

در مورد میزان بلند خشونت‌ها، افزایش تلفات غیرنظامیان و توقف مذاکرات صلح ابراز نگرانی کرده و خواستار آتش‌بس فوری در افغانستان شده است.

این کمیسیون گفته است که تلفات غیرنظامیان در جریان ماه رمضان (۱۳) اپریل الی ۷ می) افزایش یافته است. به گفته‌ی این کمیسیون، در این مدت ۱۲۰ رویداد امنیتی ثبت شده است که در نتیجه‌ی آن ۱۶۰ نفر کشته و ۳۵۱ نفر دیگر زخمی شده‌اند. تلفات حمله‌ی

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در واکنش به حمله بر مکتب سیدالشهدا در کابل، گفته است که این کشتار و دیگر خشونت‌ها در افغانستان باید از سوی یک تیم متخصص و مستقل از محققان سازمان ملل متحد بررسی و تحقیق شود.

در اعلامیه‌ی این کمیسیون که دیروز (یک‌شنبه، ۱۹ ثور) منتشر شده، آمده است که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل باید متعهد شود که تیمی از محققان سازمان ملل را به افغانستان بفرستد تا در هماهنگی با یوناما در مورد تمام رویدادهای بزرگی که در افغانستان رخ داده است، حقیقت‌یابی کند.

به نقل از اعلامیه، هدف این تحقیق باید شناسایی مجرمان و گردآوری شواهد باشد. کمیسیون حقوق بشر از سازمان ملل خواسته است که «بلافاصله» تعهد خود را در مورد شناسایی عاملان این جنایت اعلام و طی دو ماه گزارش خود را منتشر کند.

از سوی هم، کمیسیون مستقل حقوق بشر

از این ویژگی برخوردار است. اما مشکل بزرگ‌تر بی‌توجهی نهادهای امنیتی به تهدیدات آشکار علیه این مردم است. این اولین رویدادی نیست که فاجعه‌آفرین می‌شود. قبلاً هم فاجعه‌های مشابه و گاه بزرگ‌تر از این به وقوع پیوسته است. اما مدام حکومت به این شکنندگی امنیتی سیاست بی‌توجهی اختیار کرده و به وضعیت نامطمئن مردم بی‌اعتنا بوده است. صرف ضعف استخبارات عامل این فاجعه‌های پی‌هم نیست؛ دست‌کم شائبه‌ی رد پای بی‌اعتنایی عمدی نهادهای امنیتی در پیش‌گیری از این رویدادها در افکار عمومی مطرح است. تاکنون حکومت به طرح‌های ارائه‌شده از سوی مردم برای تأمین امنیت غرب کابل که به‌طور سیستماتیک در معرض تهدیدهای هدف‌مندانه‌ی تروریستی قرار دارد، پاسخ نداده و به این مطالبه بی‌توجه بوده است.

برای افکار عمومی این پرسش مطرح است که دستگاه استخباراتی و اطلاعاتی افغانستان چه کار می‌کند که تروریستان به‌راحتی هر جایی را که خواسته باشند هدف قرار می‌دهند و دست به چنین حملات سنگین می‌زنند؟ این وضعیت اگر از یک طرف نتیجه‌ی ایدئولوژی خشونت است از طرف دیگر، محصول ناتوانی سیاست امنیتی و مواجهه‌ی ناکام حکومت با مسأله ناامنی است. کار حکومت دادن اعلامیه و محکومیت شده، اما دادن اعلامیه و محکوم کردن رویدادها دردی را دوا نمی‌کند. تاکنون هیچ یک از عاملان رویدادهای مرگبار غرب کابل شناسایی نشده است. کسی هم نمی‌داند که سرنوشت این پرونده‌های خونبار در کدام تاق خاک می‌خورد. درحالی که اگر حکومت اراده‌ی جدی داشته باشد، می‌تواند خیلی زود عاملان رویدادها را گرفتار کند. به‌عنوان نمونه حکومت با قاطعیت توانست خیلی زود تمام عاملان حمله بر دانشگاه کابل را گرفتار کند. اما عاملان حمله بر مرکز آموزشی موعود، کورس کوثر دانش و شفاخانه داکتران بدون مرز هرگز گرفتار نشدند. این رویکرد دوگانه و نشان‌دهنده بی‌تعهدی حکومت با تمام عاملان رویدادهای تروریستی است. امری که بیش از پیش به تروریستان جرأت داده است.

در پی حمله‌ی تروریستی بر مکتب سیدالشهدا تاکنون حکومت رفتار همدلانه با شهروندان نداشته است. مواجهه‌ی حکومت با این تراژیدی بسیار سرد و ناامیدکننده بود. جدای از نارسایی در لحظه‌ی حادثه و رسیدگی به قربانیان، واکنش حکومت مثل همیشه صدور اعلامیه و یک محکومیت خشک و خالی بود. برعکس از لحظه حادثه تاکنون دستگاه حکومت بعد سیاسی قضیه را برجسته کرده و در یک کارزار رسانه‌ای هدفمند و برجسته سعی می‌کند مسئولیت این حمله را به طالبان ربط دهد که هدف آشکار بازی سیاسی با مسأله‌ی تروریسم دارد. چه این حمله کار طالبان باشد یا نه، چیزی از طومار بلند کارنامه‌ی سپاه طالبان کاسته نمی‌شود. طالبان به اعمال شنیع‌تر از این هم دست زده‌اند. چهره طالبان برای شهروندان افغانستان شناخته شده است. اما مسأله‌ی اصلی این است که حمله کار هر گروهی باشد، از مسئولیت حکومت که مسئول جان شهروندان است، چیزی را کم نمی‌کند. بدون تعارف اگر کوتاهی و بی‌اعتنایی حکومت در این فاجعه بیشتر از ایدئولوژی خشونت‌آمیز طالبان عامل اصلی نباشد، کمتر هم نیست.

مردم افغانستان عملاً ملت در مانده و مستأصل است. جامعه‌ی جهانی نیز به‌نظر می‌رسد در برابر فاجعه‌های پی‌هم تروریستی در افغانستان موضع بی‌تفاوتی اختیار کرده است. به جز از محکومیت کاری دیگری نمی‌کند. دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای دخیل در قضیه افغانستان به خوبی می‌دانند که این حملات کار چه کسانی است. اهرم‌های فشار زیادی هم در اختیار دارند که عاملان چنین رویدادهایی را سر جایش بنشانند، اما بنا بر مصلحت‌های سیاسی چنین کاری نمی‌کنند. واقعیت این است که مواجهه‌ی مصلحت‌آمیز با جنایت انسانی فقط وضعیت را پیچیده و گروه‌های تروریستی را جری‌تر می‌کند.

حمله بر مکتب سیدالشهدا در کابل؛

رئیس‌جمهور غنی روز سه‌شنبه را عزای عمومی اعلام کرد

تا از تمام امکانات برای درمان زخمیان رویداد تروریستی دو روز پیش در غرب کابل، استفاده کند.

براساس آمار رسمی وزارت داخله، در حمله‌ی دو روز پیش بر مکتب سیدالشهدا در حوزه‌ی سیزدهم امنیتی شهر کابل، بیش از ۵۰ نفر که بیشترشان دانش‌آموزان دختر بودند، کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

این حمله که با استفاده از یک عراده موتر بمب‌گذاری شده و به تعقیب آن دو انفجار ماین جاسازی شده انجام شد، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشته است.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. مقام‌های دولت افغانستان گروه طالبان را مسئول این حمله اعلام کرده‌اند. طالبان اما دست داشتن در این حمله را رد کرده و حکومت را مسئول آن دانسته‌اند.

ملا هبت‌الله از پیامد نقض توافق‌نامه‌ی دوحه به امریکا هشدار داد

در قضیه‌ی افغانستان نشان بدهند. در پیام عبیدی رهبر طالبان آمده است که مذاکرات و تفاهم نزد این گروه اولویت دارد، اما طرف مقابل [حکومت افغانستان] تلاش می‌کند تا روند جاری سیاسی را سبوتاژ کند.

ملا هبت‌الله در بخشی از این پیام خود به‌گونه‌ی تلویحی به نشست استانبول اشاره کرده است. او افزوده است که هر روند سیاسی که در مورد حل مسأله‌ی افغانستان باشد و از طالبان امید و توقع اشتراک در آن وجود داشته باشد، باید پیش از پیش با این گروه در میان گذاشته شود.

نشست استانبول در مورد صلح افغانستان قرار بود در ۲۴ اپریل برگزار شود، اما برگزارکنندگان این نشست (ترکیه، قطر و سازمان ملل) اعلام کردند که به دلیل عدم اشتراک طالبان، این نشست برای بعد از عید سعید فطر به تعویق افتاده است.



افغانستان مداخله نکنند. همین‌طور، او از سازمان ملل متحد و دیگر کشورهای ذی‌دخل خواسته است که بی‌طرفی‌شان را

تحریک‌آمیز و سرپیچی‌ها خودداری شود. اگر امریکا بر وعده‌هایش وفا نمی‌کند، جهان باید شاهد باشد که مسئولیت عواقب آن به دوش امریکا خواهد بود.»

براساس یک بندی از توافق‌نامه‌ی دوحه، تمامی نیروهای خارجی باید تا اول ماه می از افغانستان خارج می‌شدند، اما ایالات متحده‌ی امریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) اعلام کردند که روند خروج نظامیان‌شان از افغانستان با چند ماه تأخیر، در ۱۱ سپتامبر تکمیل خواهد شد.

از سوی هم، ملا هبت‌الله در این پیام افزوده است که خواهان روابط خوب و مثبت با جهان، منطقه و کشورهای همسایه اند و به همه اطمینان می‌دهد که از خاک افغانستان به هیچ کسی ضرر نمی‌رسد.

رهبر طالبان در عین حال از تمامی کشورها خواسته است که در امور داخلی

اطلاعات روز: ملا هبت‌الله آخذن‌زاده، رهبر گروه طالبان از تصمیم امریکا و ناتو برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان استقبال کرده، اما در عین حال به امریکا نسبت به نقض توافق‌نامه‌ی دوحه هشدار داده است.

در پیام رهبر طالبان که دیروز (یک‌شنبه، ۱۹ ثور) به مناسبت عید سعید فطر منتشر شده، بر عملی‌شدن تمامی بخش‌های توافق‌نامه‌ی دوحه تأکید شده است.

ملا هبت‌الله گفته است که خلاف تعهد امریکا در توافق‌نامه‌ی دوحه، زندانیان طالبان که باید در ظرف سه ماه پس از آغاز مذاکرات بین‌افغانی رها می‌شدند، رها نشده و تا کنون نام‌های رهبران این گروه از لیست سپاه و جایزه نیز خارج نشده است.

ملا هبت‌الله در این پیام گفته است: «باید همه کارها موافق توافق‌نامه‌ی دوحه به پیش برود و از حرکات

چهار نیروی امنیتی در حمله‌ی نفوذی طالبان در ارزگان کشته شدند

به‌گفته‌ی او، نیم‌ساعت پس از این رویداد، تانک هاموی و رنجر هدف حملات هوایی قرار گرفته است که در نتیجه، افراد نفوذی طالبان با چهار عضو دیگر این گروه در نتیجه‌ی حملات هوایی نیروهای افغان کشته شده‌اند.

والی ارزگان افزوده است که نیروهای امنیتی در پاسگاه یادشده جابجا شده و در حال حاضر ساحه تحت کنترل نیروهای امنیتی قرار دارد.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت نامن ارزگان در جنوب افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت جنگ‌جویان گروه طالبان حضور دارند.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت ارزگان می‌گویند که چهار نیروی امنیتی در نتیجه‌ی حمله‌ی نفوذی گروه طالبان در مربوطات شهر ترینکوت، مرکز این ولایت کشته شده‌اند.

محمدعمر شیرزاد، والی ارزگان می‌گوید که این رویداد دو شب پیش (شنبه، ۱۸ ثور) در یکی از پاسگاه‌های کمربندی شهر ترینکوت رخ داده است.

آقای شیرزاد همچنان گفته است که فرد نفوذی پس از مقاومت سه سرباز در این پاسگاه به کمک یک نفوذی دیگر موفق به فرار شده و یک عراده تانک هاموی و یک عراده رنجر را نیز با خود بردند.

در جست‌وجوی صلح؛ ۳۰ سال فاصله و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو وضعیت

است. برعلاوه، داکتر نجیب رییس حکومتی بود که داکتر کاکر قربانی آن شده بود. ولی با تمام این وضعیت، وقتی پای صلح و مصالحه وسط می‌آید، اشتراکات زیادی بین این دو دیدگاه دیده می‌شود و داکتر کاکر از نامه‌ی داکتر نجیب برایش می‌فرستند، استقبال می‌کند و دیدگاه خود در رابطه با قضیه را بیان می‌کند. دلیل اصلی اشتراک دیدگاه با وجود تفاوت نگاه‌ها، نگرش‌ها و رویکردها و دلیل موافقت همه‌جانبه و همنوایی داکتر کاکر با طرح صلح داکتر نجیب، جامع بودن طرح صلح داکتر نجیب است.»

به باور آقای محمدی امروز دوباره در همان نقطه‌ی قرار گرفته‌ایم که ۳۰ سال قبل بودیم. تفاوت‌ها آن‌جاست که داکتر نجیب به‌عنوان کسی که یک حکومت داشت که از حکومت فعلی قطعاً اگر بهتر نبود، بدتر هم نبود، بر اوضاع مسلط بود، مدافع بیرونی هم داشت و اما با همان شرایط طرحی صلح ارائه کرد که خیلی جامع، با مکانیزم شفاف و روشن بود؛ که از حکومت شروع و به انتخابات ختم می‌شد. «خود داکتر بسیار روشن اعلان می‌کند که حاضر است برای رسیدن به صلح قدرت را به اداره‌ی موقت انتقال بدهد و یک مکانیزم بسیار خوب را تعریف می‌کند که دارای ابعاد ملی و بین‌المللی است. دلیل خوب کنار آمدن آقای کاکر با این طرح، جامعیت آن است اما امروز ما متأسفانه همچو طرحی را نداریم. مشکلاتی که همان زمان باعث شکست روند صلح شد، هنوز هم وجود دارد اما به شکل مضاعف آن.»

مطابق سخنان این استاد دانشگاه آن زمان علت اساسی که باعث به بن‌بست رسیدن روند صلح شد، لجاجت مجاهدین بود. مجاهدین تا آخرین قدم بر کمینست بودن، باطل بودن، مزدور بودن و بر دست نشانده بودن داکتر نجیب اصرار کردند و گفتند در راه خدا جهاد می‌کنند و تا کشور را از لوٹ وجود کمونیست پاک نکنند، حاضر به توافق نیستیم. «استاد کاکر از زبان دو تن از شخصیت‌ها —حضرت مجددی و اعلیحضرت— به داکتر نجیب می‌نویسد که وی یک حکومت کمونیستی دارد و باید با زور برداشته شود و دیدیم که کسی نتوانست او را با زور بردارد و وقتی از زور کار گرفته شد، دیدیم که افغانستان با چه سرنوشتی رو به‌رو شد.»

چنانچه آقای محمدی تأکید کرد، امروز نیز در یک طرف منازعه همین دیدگاه وجود دارد و طالبان تا حالا زورگویی می‌کنند و اصرار دارند که موضع مجاهدین در ۳۰ سال قبل را انعکاس بدهند: «بر خلاف ۲۲ سال پیش، این بار مشکل در این طرف نیز وجود دارد و برخلاف داکتر نجیب که یک طرح جامع با مکانیزم روشن برای صلح داشت و از همه اقسام ملت برای تقویت آن تقاضا می‌کرد، حکومت کنونی و به‌صورت مشخص رییس‌جمهور اصلاً هیچ طرحی صلح ندارد. جبهه‌ای که زیر عنوان شورای عالی مصالحه تشکیل شده است، متأسفانه یک کاغذی را بیرون داده است که هرچیزی می‌تواند باشد، مگر طرح صلح. به همین دلیل است که گفته می‌شود اجماع وجود ندارد. چرایی وجود نداشتن اجماع این است که نخبه‌های سیاسی افغانستان به دنبال موقعیت‌اند و طرحی صلح که امروزه از جانب هرکسی ارائه می‌شود، اول به جایگاه طراح نگاه می‌کند و بنا بر جایگاه، تصمیم می‌گیرد که از طرح صلح حکایت کند یا نکند. این طرح‌ها ملت و جغرافیایی به‌نام افغانستان را نمی‌بیند، فلاکت جنگ ۴۰ ساله را نمی‌بیند و نخبه‌ها فقط در جست‌وجوی جایگاه خودشان‌اند.

به همین دلیل تا نام کلمه‌ی موقت وسط می‌آید، حالت تشنج رییس‌جمهور ۱۰۰ درجه بالاتر می‌رود، در حالی اگر قرار باشد به یک جنگ ۴۰ ساله پایان بدهیم، راهی جز تفاهم همگانی بر یک مکانیزمی که مورد پذیرش همه باشد، نداریم.»



می‌کردیم، آنان می‌گفتند که سه یا چهار سال قبل از پیروزی، خواب پیروزی را در سر داشتند و می‌فهمیدند دیر یا زود به کابل می‌روند.»

به گفته‌ی خانم کوفی یک دلیل این اعتماد مجاهدین به پیروزی، خروج نیروهای نظامی شوروی سابق بود و بلا تکلیفی امروز نیز ناشی از این است که هنوز به توافق صلح نرسیده، کشورهای خارجی بیرون شده‌اند. «البته نظر من در مورد خروج نیروهای خارجی متفاوت است و فکر می‌کنم باید از آن به‌عنوان یک فرصت استفاده شود و کمبودهای که ما را وابسته می‌کرد، خود حل کنیم و نگذاریم خروج نیروهای خارجی به فشار روحی بر مردم افغانستان تبدیل شود.»

خانم کوفی در خصوص تفاوت‌های هردو روند گفت که مجاهدین گروه‌های متعدد بودند که به‌لحاظ فکری ایدئولوژی تقریباً یکسان داشتند اما به‌لحاظ دیدگاه سیاسی گروه‌های غیرمنسجم بودند که در پایتخت‌های کشورهای همسایه مستقر بودند و برخلاف مجاهدین ۳۰ سال قبل، طالبان امروز یک گروه منسجم و واحد هستند. ممکن است در درون گروه‌های سیاسی و نظامی‌شان اختلافاتی داشته باشند اما این اختلاف در حد اختلاف بین گروه‌های مجاهدین نیست که بین خود نیز جنگیدند.

مورد اختلاف دیگری که خانم کوفی نام برد، در حکومت ۳۰ سال قبل ساختارها وجود داشت اما حس مالکیت در موردشان وجود نداشت، همه‌چیز مربوط حکومت بود و حکومت هم یک ساختار بسته بود ولی امروزه صرف نظر از این‌که کسی در کجای قدرت و حکومت قرار دارد، حاضر به پذیرش رژیم طالبان نیست. ۳۰ سال قبل کسی در میان اجتماع پروای حفظ نظام حاکم را نداشت و خواستار حفظ ارزش‌ها نبود اما امروزه همه اصرار می‌کنند که اصول و ارزش‌های همگانی حفظ شوند، حتا کسانی که با حکومت و رییس‌جمهور مشکل دارند.

آقای عبدالعلی محمدی، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه که از جامع بودن طرح صلح داکتر نجیب و دلیل همنوایی آقای کاکر با آن سخن می‌گفت، ادعان کرد که تفاوت‌های بسیار اندک بین دو دیدگاه بوده است؛ آن‌هم زمانی که هردو شخصیت از دو نگاه کاملاً متضاد نمایندگی می‌کردند. «طوری‌که قبلاً اشاره شد، زمانی که داکتر نجیب رییس‌خاد بوده است، داکتر کاکر زندانی سیاسی بوده

آن زمان طرف استیم، کسانی اند که با وجود داشتن روحیه‌ی بسیار انقلابی و مطرح بودن بحث حق و باطل، تجربه تاریخی از کشور دارند و از آنجا که آن‌زمان اسلام سنتی حاکم بود، گروه‌های مجاهدین پیوند خود با این اسلام سنتی را حفظ کرده بودند.»

بر بنیاد سخنان آقای شریفی در لابلای متن نامه‌ها دیده می‌شود که یک مکانیزم مطرح شده است که بیان‌گر حافظه تاریخی است اما امروز این حافظه تاریخی خصوصاً بر طالبان تأثیری نمی‌گذارد. «ما امروز با گروهی مواجه هستیم که با وجود داشتن داعیه شدید افغانی بودن، تجربه بسیار کم از چگونگی تاریخ افغانستان دارند، چون نسلی که طالبان و گروه رهبری‌شان را شکل می‌دهند، نسلی است که در خلای وطنی کلان شده‌اند و با وجود داشتن رابطه‌ی منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای، رابطه‌ی احساسی با بحث کلان تاریخی افغانستان ندارند، چرا که کمپ‌های مهاجرین و کمپ‌های تربیتی «آی‌اس‌آی» نمی‌تواند احساسات ملی را در کسی شکل دهد.

همچنان فوزیه کوفی، رییس حزب موج تحول و عضو هیأت مذاکره‌کننده حکومت افغانستان که در مورد محوریت دموکراسی و پلورالیسم سیاسی و همین‌طور وجه اختلاف و اشتراک دو روند سخن می‌گفت، یادآور شد که اولین وجه اشتراک هردو روند این است که هم ۳۰ سال قبل مجاهدین در کشورهای بیرونی رخنه‌ی دیپلماتیک داشتند و توانسته بودند خود را بدیل حکومت وقت معرفی کنند و چهره‌ی جهانی اختیار کنند و هم طالبان با داشتن روابط عمیق با کشورهای مختلف و نامود می‌کنند که بدون حضور آنان در افغانستان نظامی ساخته نمی‌شود و اگر شود، پایدار نمی‌ماند.

خانم کوفی دومین وجه مشترک بین هردو روند صلح را خروج نیروهای خارجی خواند و گفت خروج نیروهای شوروی سابق در آن زمان قبل از این‌که توافق سیاسی صورت بگیرد و یا مجاهدین به پیروزی برسند، انجام شد و این بار نیز قبل از این‌که افغان‌ها به توافق سیاسی برسند، کشورهای خارجی اعلام کرده‌اند که خارج می‌شوند. «آن‌زمان حکومت نجیب در یک بلا تکلیفی به‌سر می‌برد و مجاهدین هر لحظه فکر می‌کردند که برنده‌اند. ما با تعدادی زیاد از فرماندهان جهادی که اکنون مسئولیت حکومتی دارند و یا در گذشته مسئولیت داشته‌اند، صحبت

را آرام نمی‌گذارد و ما این موضوع را باید عمیقاً درک کنیم. مشکل دوم مسأله پشتونستان است. پاکستان این مشکل را حل‌شده می‌پندارد. در زمان ظاهرشاه اگر افغانستان در برابر پاکستان مقاومت می‌کرد، به دلیل دوران جنگ سرد بود که افغانستان این طرف شوروی را پشت سر خود داشت و شوروی از افغانستان حمایت می‌کرد و آن طرف هند دوست سنتی افغانستان بود. پاکستان در بین دو قدرت توسط افغانستان کنترل می‌شد اما اکنون جغرافیا دیگر وجود ندارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که ما مشکلات منطقه‌ای را باید به‌صورت عینی و انضمامی حل کنیم، چون کلی‌گویی ما را کمک نمی‌کند.»

مسأله‌ی سوم از نظر دکتر احمدی نبود اعتماد است که در نامه‌های تبادل‌شده بین داکتر نجیب و کاکر نیز منعکس شده است. به گفته‌ی آقای احمدی مجاهدین به نظام تحت رهبری داکتر نجیب ضمن این‌که مشروعیت قابل نبودند، اعتماد هم نداشتند و اگر می‌آمدند، نمی‌توانستند جای خود در آن سیستم را پیدا کنند: «امروزه طالبان نیز همین ترس و نگرانی را دارند و نمی‌توانند جز سیستمی شوند که یک دولت بر آن مستقر است. آنان به این سیستم اعتماد نمی‌توانند.»

آقای احمدی با صحبت در مورد تفاوت‌ها که باور داشت باعث ایجاد امید می‌شود، یادآور شد که نظام جمهوری از حمایت وسیع بین‌المللی برخوردار است، درحالی‌که حکومت داکتر نجیب حمایت وسیع بین‌المللی را با خود نداشت. همین‌طور وقتی حکومت داکتر نجیب کاملاً به حمایت مالی شوروی متکی بود، این حمایت‌ها قطع شد درحالی‌که امروزه از صحبت‌های تمامی سیاستمداران جهان پیداست که حمایت‌های مالی و نظامی ادامه پیدا می‌کند. در همین حال آقای عمر شریفی، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه آمریکایی با صحبت در مورد نگرانی‌های مردم از احتمال آینده‌ی نامطمئن گفت که وقتی سخن از وحدت ملی به میان می‌آید، انعکاس آن در نامه‌های که بین داکتر نجیب و استاد کاکر تبادل شده است، را می‌بینیم. به‌گفته‌ی ایشان با مطالعه‌ی هردو نامه با چهره‌های طرف استیم که حافظه‌ی تاریخی قبل از جنگ دارند و افغانستان را از لحاظ ساختار تشکیل قدرت و نهادهای می‌شناسند. «حتا با مجاهدینی که در

فاطمه فرامرز

افغانستان امروز شاهد تکرار بعضی از وقایعی است که ۳۰ سال قبل در زمان حکومت نجیب اتفاق افتاد. در آن زمان نجیب تصمیم گرفت برای پایان دادن به جنگ، طرحی صلح را برای مجاهدین پیشکش کند. او این طرح را با شماری از افرادی که فکر می‌کرد در گسترش و بهبود طرح کمکش خواهند کرد، شریک کرد. یکی از کسانی که دریافت‌کننده‌ی طرح داکتر نجیب بود و با آن همنوایی نشان داد، دکتر محمدحسن کاکر بود. آقای کاکر و داکتر نجیب ایده‌های‌شان را طی سه نامه با همدیگر شریک کردند که این نامه‌ها توسط شماری از دانشگاهیان و اهالی سیاست و حکومت بررسی شده و طی دو رساله‌ای از مجموعه مقالات به فارسی، پشتو و انگلیسی توسط بنیاد تاریخی کاکر و جامعه قلب آسیا نشر شده است.

مرکز افغانستان‌شناسی دانشگاه کابل روز گذشته ضمن رونمایی این دو مجموعه مقاله، میزبان گفت‌وگویی با حضور نویسندگان مقاله‌ها بود تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو روند با فاصله‌ی زمانی ۳۰ سال را بحث و بررسی کرده و درس‌هایی را که افغانستان نیاز دارد بیاموزد، پیشکش کند.

آقای امین احمدی، استاد دانشگاه و عضو هیأت مذاکره حکومت افغانستان که در خصوص تعدد طرح‌های صلح و همچنان شباهت‌ها و تفاوت‌های دو وضعیت صحبت می‌کرد، گفت شماری از سرسختی‌های که در دوران حکومت نجیب وجود داشت و هنوز هم وجود دارد، سرسختی ایدئولوژیک است که در بین مجاهدین با شدت کمتر وجود داشت و ما امروز با سرسختی ایدئولوژیک با شدت بیشتر مواجهیم. «مجاهدین طیف وسیعی بودند که گروه‌های گوناگون در آن حضور داشت و به همان دلیل استاد کاکر به داکتر نجیب می‌گوید این سرسختی ایدئولوژیک را می‌شود در همکاری با گروه‌های میانه‌رو و دموکرات‌ها جبران کرد. اما امروزه کانون اصلی مقاومت در برابر نظام جمهوری اسلامی افغانستان یک کانون ایدئولوژیک بسیار سرسخت است.»

دکتر احمدی مشکل مشترک دوم را مسأله کشورهای منطقه و جهان دانست و گفت جنگ افغانستان در آن دوره هم ابعاد منطقه‌ای و جهانی داشت و امروز نیز داستان همان است: «در بعد جهانی واضح است که دلیل اصلی حضور آمریکا در افغانستان جنگ با تروریسم است و افغانستان برای آمریکا اهمیت نظامی ندارد، مگر برای مبارزه با تروریسم. افغانستان قابلیت سرمایه‌گذاری برای غرب را ندارد. این واقعیت را ما باید درک کنیم. اگر افغانستان به‌لحاظ نظامی یا اقتصادی قابلیت سرمایه‌گذاری برای غرب را می‌داشت و در موقعیت پاکستان و ایران قرار داشت، آنان افغانستان را ترک نمی‌کردند. غرب در افغانستان فقط یک هدف دارد و آن این است که استعداد تروریسم‌پروری را از افغانستان بگیرد. حضور غرب در افغانستان فقط در همین راستا بوده و ما فقط با درک این واقعیت و از این رهگذر می‌توانیم راه صلح را پیدا کنیم.»

بر اساس سخنان آقای احمدی اهمیت منطقه‌ای افغانستان فقط برای پاکستان مطرح است و نیاز است تمام بحث‌ها روی پاکستان متمرکز شود. «پاکستان با افغانستان دو مشکل دارد که تا این دو مشکل حل نشود، پاکستان هیچ‌گاه صادقانه بر طالبان فشار نخواهد آورد که صلح را بپذیرند. موضوع اول هند است و ما باید مشخص کنیم که اولویت ما هند است یا پاکستان. پاکستان از این حیث که افغانستان عمق استراتژیک پاکستان محسوب می‌شود، از ما می‌خواهد که اولویت مطلق پاکستان باشد نه هند. تا زمانی که ما بگوییم هند دوست افغانستان است، پاکستان افغانستان

خانم کوفی در خصوص تفاوت‌های هردو روند گفت که مجاهدین گروه‌های متعدد بودند که به‌لحاظ فکری ایدئولوژی تقریباً یکسان داشتند اما به‌لحاظ دیدگاه سیاسی گروه‌های غیرمنسجم بودند که در پایتخت‌های کشورهای همسایه مستقر بودند و برخلاف مجاهدین ۳۰ سال قبل، طالبان امروز یک گروه منسجم و واحد هستند.

مرگ، بی‌کسی، درماندگی

روایت قربانیان حمله به مکتب سیدالشهدای دشت برچی



«می‌خواهم درس بخوانم و سرپای خود ایستاد شوم. باید کشور خود را آباد کنم.» حنیفه، عاطفه و معصومه، خواهرانی که در صنف ششم، نهم و دوازدهم مکتب سیدالشهدا درس می‌خوانند، از آنچه که روز شنبه در مکتبشان اتفاق افتاده شوکه شده‌اند و گریه می‌کنند. وقتی به خانه‌شان می‌روم فقط والدینش را می‌بینم که دختران‌شان را در آغوش گرفته‌اند و دلداری می‌دهند. عاطفه که در نزدیکی محل انفجار حضور داشته، حالا به‌صورت غیرارادی و با صدای بلند گریه می‌کند. کسی نمی‌تواند او را آرام کند. پدر و مادرش می‌خواهد با او حرف بزند اما او متوجه چیزی نمی‌شود و مدام گریه می‌کند. بعد از مدتی او را می‌بینم که از جایش بلند می‌شود و با عجله کتابش را می‌آورد.

«وقتی از خانه بیرون شدم جاده‌ی مکتب سیدالشهدا کاملا سیاه شده بود است. دختران سیاه‌پوش مکتبی هر طرف افتاده بودند. تا دو ساعت هیچ چیزی وجود نداشت؛ نه پولیس و نه آمبولانس. مردم زخمی‌ها را در پشت خود، با موتورسیکلت، و موترهای شخصی انتقال دادند.»

مریم ۱۳ سال سن دارد و در شفاخانه‌ای در دشت برچی بستری است. او هنوز باور دارد که می‌تواند کشورش را آباد کند:

می‌گشتم. پیر، جوان، مرد، زن همه گریه می‌کردند. جمعیت مثل موج، می‌دویدند و گریه می‌کردند. او زلفا را آخرش از شفاخانه پیدا کرده و چهار تن از همسایه‌هایش و یک نفر هم از اقاربش را در انفجار روز شنبه از دست داده است. مریم، دانش‌آموز صنف هفتم مکتب سیدالشهدا نیز یکی از زخمیان است. او که هنوز وحشت و سراسیمگی از سر و صورتش می‌بارد، می‌گوید: «کمی دورتر از مکتب بودم که انفجار شد، افتادم و هیچ نفهمیدم که چه شد. نفر پهلویم هم افتاد، زخمی شده بود. دیدم که لباسم پر خون شده، اما چون زیاد ترسیده بودم فرار کردم. خانه که آمدم دیدم شانه‌ام زخم شده است.»

منافع چین در تیررس تحریک طالبان پاکستان؟

کنسول‌گری ایران و ساختمان شورای ایالتی بلوچستان واقع شده است. این‌که یک بمب‌گذار انتحاری توانسته با موتر مملو از مواد منفجره از ایست‌های بازرسی این محله و کمر بند امنیتی هتل عبور کند و خودش را به پارکینگ هتل برساند، نشان می‌دهد که تحریک طالبان پاکستان یا حامیانی را درون دستگاه‌های امنیتی بلوچستان برای خود دست و پا کرده است یا در غیر این صورت، اطلاعات استخباراتی سطح بالایی را برای اجرای این حمله در اختیار داشته است.

آیا چین هدف تحریک طالبان پاکستان است؟

حملات تروریستی گزارش‌شده در سال ۲۰۲۰ را تشکیل می‌دهد. افزایش قابلیت‌های عملیاتی این گروه در گستره جغرافیایی رو به گسترش فعالیت‌های این گروه نیز قابل مشاهده است. حملات تحریک طالبان پاکستان اکنون از سنگرهای سنتی این گروه در مناطق قبیله‌ای پاکستان فراتر رفته و به شهرهای پاکستان مانند کوئته رسیده است. حمله به هتل سرینا مؤید ظرفیت پیشرفته این گروه است. سرینا از جمله هتل‌های به شدت محافظت‌شده بلوچستان است و اغلب کارمندان دولت، دیپلمات‌ها و امدادسازان بین‌المللی در آن اقامت می‌کنند. علاوه بر این، این هتل بین

پاکستان جدا شده بودند، دوباره زیر چتر این گروه در آمدند. گفته می‌شود که طی یک سال گذشته اختلافات جناحی درون این گروه نیز تقریباً به پایان رسیده و شبه‌نظامیان همسو با تحریک طالبان پاکستان اکنون در هماهنگی با یک‌دیگر فعالیت می‌کنند. این امر قابلیت‌های عملیاتی تحریک طالبان پاکستان را افزایش داده است. برپایان گزارش تازه سازمان ملل متحد، تحریک طالبان پاکستان بیش از ۱۰۰ حمله بین مرزی را از ماه جولای تا ماه اکتبر سال ۲۰۲۰ انجام داده است. در واقع، در سال ۲۰۲۰ این گروه و گروه‌های وابسته به آن حدود ۶۷ حمله تروریستی را انجام داده‌اند که حدود ۴۶ درصد از کل



و گفتم که من زنده هستم. وقتی خانه رفتم یک خواهرم قبل‌تر از من به خانه رسیده بود اما یک خواهرم ناپیدا بود. او هم ناوقت شب زنده به خانه برگشت. از هم‌صنفی‌هایم هیچ خبری ندارم. این‌جا آمدم که احوال‌شان را بگیرم اما هیچ کس نیست که جواب بدهد.»

حبیب‌الله میان‌سال عصر روز شنبه در خانه‌اش در نزدیکی مکتب سیدالشهدا نشسته بود که صدای انفجار آرامشش را به هم زد. اول فکر کرده بود که جکشن برق انفجار کرده است. اما انفجارهای دوم و سوم برایش ثابت کرد که اشتباه فکر کرده است: «وقتی از خانه بیرون شدم جاده‌ی مکتب سیدالشهدا کاملاً سیاه شده بود است. دختران سیاه‌پوش مکتبی هر طرف افتاده بودند. تا دو ساعت هیچ چیزی وجود نداشت؛ نه پولیس و نه آمبولانس. مردم زخمی‌ها را در پشت خود، با موتورسیکلت، با سه چرخ و موترهای شخصی انتقال دادند.»

از مکتب سیدالشهدا برمی‌گردم به شفاخانه‌های دشت برچی، جایی که شب‌شب زخمیان و اجساد قربانیان روی هم تلنبار شده بود و گریه و ضجه خانواده‌شان سقف آن را از جا می‌کند.

روی یکی از تخت‌های شفاخانه عالمی، تن زخمی زلفا، دانش‌آموز صنف یازدهم مکتب سیدالشهدا افتاده است؛ دختر یک کارگر روزمزد و فقیر حومه دشت برچی: «شانه‌ام چره خورده و آسیب دیده است. دیگر چیزی را به یاد ندارم. حین انفجار فقط دیدم که دو هم‌صنفی‌ام روی زمین افتاده بودند. یکیش زیاد سوخته بود، دیگرش هم حالش بسیار خراب بود. اولی‌اش مرده.»

غلام‌عباس، پدر زلفا موقع انفجار در قلعه نو دشت برچی کار می‌کرد که صدای انفجار را شنید. وقتی آوازه شد که در مکتب سیدالشهدا انفجار شده او دیگر ندانست که چگونه خود را در آن‌جا رساند: «دنبال دخترم

اطلاعات روز: گرمی کم‌جان آفتاب تازه بر کوچی ماتم‌زده‌ی مکتب سیدالشهدا تابیده است. تعداد زیادی با چشم‌های بادکرده در محل انفجار برای یافتن نشانی از گمشدگان‌شان کلافه و بی‌حوصله می‌گردند. از جمله سلیم ۳۵ ساله که دنبال سرخ‌ی از شکرکریه می‌گردد. شکرکریه‌ای که از ساعت ۴ عصر روز شنبه گم شده است. خانواده و بستگانش تمام شب را برای یافتن او صبح کرده‌اند. همه شفاخانه‌های کابل را، فهرست زخمیان را که روی دیوارها نصب شده و صف طولانی جنازه‌ها را که در راهروهای شفاخانه‌ها زیر پارچه‌های سفید دراز افتاده‌اند، بررسی کرده‌اند. شکرکریه اما نیست، انگار به آسمان پر کشیده و رفته باشد. صبح وقت روز یک‌شنبه، خانواده و بستگان شکرکریه به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اول رفته‌اند که دوباره شفاخانه‌ها را یک به یک ببیند و گروه دیگر در اطراف مکتب او آمده‌اند تا بلکه نشانه‌ای از او بیابند. سلیم از بستگان او فقط یک لنگه کفش یافته است اما مطمئن نیست آنچه را پیدا کرده به شکرکریه تعلق دارد یا به قربانی دیگر.

صفوری ۱۴ ساله با قد و هیکل ریز صبح وقت از خانه بیرون شده و دنبال آن‌عده از هم‌صنفی‌های خود می‌گردد که هنوز احوالی از آن‌ها ندارد. او دیروز بعد از زنگ پایان مکتب وقتی از کوچی منتهی به مکتب دور شده بود که صدای انفجار را شنید. او فقط متوجه شد که با صدای انفجار همه چیز به هوا بلند شد. چیزی که بعد از انفجار می‌شنید صدای جیغ و وحشت دختران بود. صفورا فکر می‌کرد که ممکن است در بین این صداها، صدای دو خواهر او هم باشد، برای همین دوباره به سمت مکتب دوید تا خواهرانش را دریابد، اما در همان لحظه انفجار دومی رخ داد. صفورا دیگر نفهمید که چگونه قاطی دختران شد و از پس کوچی‌های ناشناخته‌ی دور سر برآورد: «از یکجایی و از یک تلفنی فوری به خانه زنگ زد

سودا رام‌چاندرا، بنیاد جیمزناون مترجم: جلیل پژواک

در ۲۱ اپریل موتری مملو از مواد منفجره در محوطه‌ی پارکینگ هتل سرینا در کوئته، مرکز ایالت نارام بلوچستان، منفجر شد. در این حمله ۵ نفر کشته و ۱۲ نفر دیگر زخمی شدند. تحریک طالبان پاکستان مسئولیت انفجار مرگ‌بار کوئته را برعهده گرفت. تحریک طالبان پاکستان گروهی متشکل از شبه‌نظامیان پشتون فعال در مناطق مرزی بین پاکستان و افغانستان است که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ پاکستان را دچار هرج‌ومرج کرد. حملات بی‌شمار این گروه بر تأسیسات و کاروان‌های ارتش، مراکز پولیس، مکتب و عبادت‌گاه‌های متعلق به اقلیت‌های دینی - مذهبی پاکستان طی آن دوره، جان بیش از ۸۰ هزار سرباز و غیرنظامی را گرفت. با این‌حال از سال ۲۰۱۴ ظرفیت عملیاتی گروه تحریک طالبان پاکستان رو به ضعف نهاد و در سال‌های بعدی این گروه در رده گروه‌های «تقریباً بی‌اهمیت» سقوط کرد. از این جهت حمله اخیر تحریک طالبان پاکستان به هتل سرینا مهم است، زیرا نشان می‌دهد که این گروه دوباره در حال قدرت‌مند شدن است. حملات این گروه بر پروژه‌ها و اتباع چینی نیز احتمالاً افزایش یابد.

ظهور و سقوط تحریک طالبان پاکستان

تحریک طالبان پاکستان در ماه دسامبر سال ۲۰۰۷ در واکنش به اقدام ارتش پاکستان علیه روحانیون شبه‌نظامی که در لعل مسجد اسلام‌آباد لانه کرده بودند، ایجاد شد. این گروه هدف اصلی خود را سرنگونی دولت پاکستان و برپایی دولت

نور ولی محسود و احیای تحریک طالبان پاکستان

با قرارگرفتن نورولی محسود در رأس این گروه در سال ۲۰۱۸، فرآیند احیای تحریک طالبان پاکستان به جریان افتاد. برای مثال گروه‌های انشعابی مانند جماعت‌الاحرار و حزب الاحرار که قبلاً از تحریک طالبان

گزارش



اطلاعات روز

دختران ربات‌ساز هرات نگران آمدن طالبان اند

■ وادج روحانی - هرات

گروهی ۱۷ نفری از دختران ربات‌ساز در ولایت هرات هیچ کدام در زمان حاکمیت طالبان متولد نشده بودند. وقتی به دنیا آمدند، بساط طالبان از افغانستان برچیده شده بود و می‌توانستند با خیال راحت مکتب بروند. در یک دوئل خیر و شر، همزمان با این که هر یک از این دختران قدمی می‌کشیدند و در مسیر دانش خیز برمی‌داشتند، خیزش دوباره طالبان نیز از جنوب و شرق کشور جان می‌گرفت. در سال ۲۰۲۱ وقت گروهی ۱۷ نفری تیم رباتیک دختران افغانستان در فهرست ۳۰ جوان برتر زیر ۳۰ سال در سطح آسیا قرار گرفتند، رهبران طالبان یک طرف میز مذاکره و جنگ‌جویان این گروه در نقاط بسیاری افغانستان سرگرم جنگ بودند. نیروهای خارجی از افغانستان بیرون می‌شوند و طالبان بر طبل پیروزی می‌کوبند. در بحبوحه جنگ و مذاکره دختران رباتیک این روزها نگران دست‌آوردی هستند که جهان را متعجب ساخته و حالا از روزی می‌ترسند که با سهیم شدن طالبان در قدرت، پس به نقطه صفر برگردند و بار دیگر آزادی‌های فردی به‌ویژه فرصت آموزش از زنان و دختران گرفته شود. دختران ربات‌ساز افغان با ساخت ۱۲ ربات مسابقه‌ای و کاربردی و سفر به ۹ کشور، به یکی از موفق‌ترین گروه‌های دختران در کشور مبدل گشته‌اند و آوازه‌ی موفقیت‌شان بسیاری از کشورها را دنوردیده است.

دختران ربات‌ساز برای ساخت ربات‌ها پیوسته و بی‌وقفه تلاش می‌کنند و حاصل این تلاش حدود چهارساله‌شان، دستگاه ساده وینتلاتور [تنفس مصنوعی]، ربات ضد عفونی وسایل کوچک، پروسس زعفران و جمع‌آوری گندم بوده و حالا هم پنج ماه می‌شود که عزم‌شان را برای ساخت ربات ماین‌روب جزم کرده‌اند.

به دیدن سمیه فاروقی، کاپیتان دختران ربات‌ساز به محل کارش رفتیم. او با نصب یک نرم‌افزار داخل گوشی همراه، ربات ماین‌روب را به حرکت می‌اندازد، تا فلز را تشخیص دهد. این طرح اولیه است. او با اشتیاق فراوان سرگرم ساخت این ربات است تا چهره‌ی قدرتمند از دختر افغان در سطح جهان به نمایش بگذارد.

سمیه فاروقی، هدف از ساخت ربات ماین‌روب را تلاش برای کاهش تلفات انفجار ماین در افغانستان می‌داند. اما روزی که سمیه فاروقی با اشتیاق طرح اولیه‌ی ربات ماین‌روب را شرح می‌داد، در کابل وقوع یک انفجار فاجعه انسانی آفرید. حادثه‌ای که براساس آمارهای رسمی دست‌کم ۵۰ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ تن دیگر زخمی شدند. تروریستان یک مکتب دخترانه را در غرب کابل هدف قرار داده بودند. قربانیان اکثریت دانش‌آموزان دختر از جنس سمیه فاروقی بودند.

سمیه فاروقی ۱۷ سال دارد و یکی از دختران متولد شده پس از سقوط رژیم طالبان است. او حاکمیت طالبان را به چشم خود ندیده است، اما براساس روایت خانواده‌اش در آن زمان، زنان از کوچک‌ترین حق‌شان، از جمله رفتن به بیرون از خانه و مکتب، محروم بوده‌اند: «خواست ما از گروه طالبان این است که به ما اجازه بدهند تا بیشتر رشد کنیم و نباید حق آموزش و تحصیل از ما گرفته شود.»

دختران ربات‌ساز برای ساخت ربات‌ها پیوسته و بی‌وقفه تلاش می‌کنند و حاصل این تلاش حدود چهارساله‌شان، دستگاه ساده وینتلاتور [تنفس مصنوعی]، ربات ضد عفونی وسایل کوچک، پروسس زعفران و جمع‌آوری گندم بوده و حالا هم پنج ماه می‌شود که عزم‌شان را برای ساخت ربات ماین‌روب جزم کرده‌اند.

«روای بزرگ»

دیانا ۱۶ ساله، یکی دیگر از دختران ربات‌ساز هرات است. او نیز از خروج نیروهای خارجی از افغانستان نگران است. او با حضور این نیروها و سقوط رژیم طالب فرصت یافت تا مکتب برود و حالا ربات بسازد. او نیز آرزوهای بزرگی در سر دارد: از ساخت ربات‌های پیشرفته تا انسان‌نما. او نیز می‌گوید از ذهنیت خشک طالبان ترس دارد و آشفته‌خاطر است.

می‌گوید که با ساخت ربات‌ها به مقابله با دیدگاه‌های سنتی مبنی بر محدودیت بر زنان اقدام می‌کند و حفظ دست‌آوردی دختران و زنان افغان باید خط سرخ در گفت‌وگوهای صلح با طالبان باشد.

هشدار از آینده تاریک

به تازگی اداره استخبارات امریکا هشدار داده است که پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، دست‌آوردی زنان در این کشور زیر تهدید جدی قرار دارد. شورای استخبارات ملی امریکا در یک گزارش روز سه‌شنبه، ۱۴ ثور گفت که طالبان در بخش محدود ساختن حقوق زنان هنوز هم در موقف خود تغییری نیاورده‌اند.

این شورا هشدار داده بود که با حاکمیت طالبان، دست‌آوردی زنان افغان طی دو دهه‌ی اخیر نابود خواهد شد.

ذهنیت طالبان نسبت به زنان تاریک و خشک‌اند. در زمان طالبان دختران از رفتن به مکتب منع شدند. اکنون مکاتب دخترانه در مناطق تحت تسلط طالبان مسدودند. به همین دلیل بسیاری از زنان از دوران حاکمیت گروه طالبان به‌عنوان «دوران سیاه» و «عقب‌گرد» تاریخی یاد می‌کنند و از جامعه جهانی به‌ویژه ایالات متحده امریکا می‌خواهند که اجازه‌ی برگشت این دوران را ندهد.

این نگرانی زنان در حالی مطرح می‌شود که مذاکره‌کنندگان طالبان گفته بودند که حقوق زنان در چوکات شریعت اسلامی را رعایت خواهند کرد، اما از دید فعالان حقوق زن، این موضع‌گیری طالبان بسیار کلی و مبهم است.

چهره‌ی مثبت از افغانستان

سید عبدالوحید قتالی، والی هرات دست‌آوردی دختران ربات‌ساز را شگفتی آور می‌داند و می‌پذیرد که این دختران حمایت چندانی نشده‌اند: «من به دختران رباتیک افتخار می‌کنم. دختران رباتیک سربازان داخلی افغانستان و همچنین سفیرهای افتخار هستند. ما از برنامه‌های‌شان در راستای مبارزه با کرونا و طرح ربات خنثاسازی ماین استقبال می‌کنیم.»

او تأکید می‌کند که روی بلندبردن ظرفیت دختران ربات‌ساز هزینه خواهد شد: «سه سال پیش وقتی من شهردار هرات بودم، قرار بود که دختران رباتیک روی جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها کار کنند. یک طرح عالی هم ارائه کردند. متأسفم که فضای تروریسم، دختران رباتیک را مجبور کرد که به‌جای ساخت دستگاه تفکیک زباله، ماین‌روب در مقابل تروریستان بسازند.» نام افغانستان با انفجار، انتحار، ناامنی و خشونت علیه زنان در جهان مشهور است، اما در سوی دیگر، دختران ربات‌ساز افغان بی‌وقفه تلاش می‌کنند این چهره‌ی افغانستان را تغییر دهند. مجله امریکایی فوربز، تیم رباتیک دختران افغانستان را در فهرست ۳۰ جوان برتر زیر ۳۰ سال در سطح آسیا قرار داده است. حدود سه سال قبل نیز تیم رباتیک دختران افغانستان با شرکت در یک مسابقه رباتیک در امریکا، مدال شجاعت نقره گرفت.

ناهدی، ۱۵ ساله عضو دختران ربات‌ساز به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که باید جهان، افغانستان را با جلوه‌های مثبت بشناسد. او در تقیای روزی است تا دانش رباتیک در کشور افزایش یابد و آنان بتوانند با ساخت ربات‌های پیشرفته با کشورهای پیشگام ربات‌سازی رقابت کنند: «این کار شدنی، اما زمان‌بر است.»

بلندپایه‌ی دولتی، وزیر و وکیل حضور ندارد. بی‌کسی و درماندگی مردم عازاد روی تپه‌ی داغ حومه‌ی غرب کابل عریان است. فقط خودشان هستند و غم‌هایی که از چشم‌های‌شان سر می‌خورد. با قلب‌های ناامید و شکسته یک به یک ۴۰ تن از دختران مکتب سیدالشهدا را زیر خاک دفن می‌کنند اما همه‌شان این نیست. براساس آمار ابتدایی وزارت داخله بیش از ۵۰ نفر و اغلب دانش‌آموزان در این حمله کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. اما مسئولان «ستاد مردمی تدفین شهدای معارف» که برای مراسم تدفین قربانیان این رویداد تشکیل شده است، به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که دست‌کم ۸۱ نفر در این رویداد کشته شده‌اند.

گروهی زیر نام «ستاد مردمی تدفین شهدا» قطع‌نامه‌ای ترتیب داده و برای حکومت، سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری ملی و بین‌المللی خط و نشان‌های می‌کشند اما در ته دل‌شان می‌دانند که این بار هم مثل دفعه‌های قبل قرار نیست کسی به آن‌ها اعتنا کند. از حکومت و مسئولان دولتی می‌خواهند که به حرمت قربانیان و خانواده آن‌ها، یک روز را عزای عمومی اعلام کنند؛ برای تأمین امنیت مردم آسیب‌پذیر غرب کابل یک برنامه‌ی امنیتی فوری به اجرا بگذارند؛ یک هیأت حقیقت‌یاب بی‌طرف را برای بررسی چگونگی انجام این حمله تشکیل و نتایج آن را با مردم شریک کنند؛ همچنین از خانواده‌های قربانیان و زخمیان دلجویی کرده و به آن‌ها کمک کنند. در ضمن از سازمان ملل و دادگاه بین‌المللی لاهه می‌خواهند که تا «حملات تروریستی و نسل‌کشی مردم هزاره» را بررسی کرده و عاملان آن را محاکمه کنند.

دانش‌آموزانی که آمده‌اند هم‌مکتبی‌های خود را دفن خاک کنند، با بغض و خشم خطاب به عاملان این حمله می‌گویند که «از خاک دوباره جوانه می‌زنند» و قرار نیست «از پا بیفتند».

ترجمه

پاکستان می‌شود. این امر می‌تواند به اقتصاد پاکستان ضربه وارد کند و در نتیجه دولت را تضعیف کند.

همچنین، با توجه به این که گفته می‌شود تحریک طالبان پاکستان فعالیت‌های خود را در مناطق پشتون‌نشین بلوچستان افزایش داده است، این احتمال نیز وجود دارد که این گروه با گروه‌های جدایی‌طلب و ملی‌گرای بلوچ وارد همکاری شده باشد. گروه‌های بلوچ، همانند تحریک طالبان پاکستان، به شدت مخالف دولت پاکستان هستند. این گروه‌ها چندین حمله را بر اتباع و پروژه‌های چینی و پاکستانی در بلوچستان سازمان داده‌اند. اگر تحریک طالبان پاکستان واقعا با شبه‌نظامیان بلوچ ارتباط برقرار کرده باشد، بیجینگ و اسلام‌آباد باید نگران باشند.

نتیجه‌گیری

حمله موتربمب اخیر تحریک طالبان پاکستان در هتل سرینا در کویته نه تنها نشان‌دهنده تجدید قوای این گروه، قابلیت‌های عملیاتی پیشرفته این گروه و نیز توانایی این گروه برای انجام حمله بر ساختمان‌های به شدت محافظت‌شده است، بلکه ظرفیت این گروه برای انجام حمله در مناطق خارج از قلمرو سنتی‌اش را نیز نشان می‌دهد. علاوه بر این، حمله کویته بیان‌گر قصد تحریک طالبان برای هدف قراردادن منافع و اتباع چینی در پاکستان است. این حمله به‌ویژه اگر تحریک طالبان پاکستان با شبه‌نظامیان بلوچ هم‌دست شده باشد، باید زنگ خطر را در بیجینگ و اسلام‌آباد به صدا درآورد.

دکتر سودا راماچاندرا، پژوهش‌گر و روزنامه‌نگار مستقل مستقر در بنگلور هند است.

ظواهر نمی‌فهمد چه می‌خواهد. اما به نظر می‌رسد می‌خواهد به هم‌صنفی‌هایش تماس بگیرد و از درس امروزشان بی‌رسد. کتابش را می‌بندد و با هم‌باصدای بلند گریه می‌کند. اسدالله، پدر این سه دانش‌آموز که خانه‌اش در نزدیکی مکتب سیدالشهدا قرار دارد بعد از انفجار اول برای نجات زندگی دخترانش با عجله طرف مکتب می‌دود اما نرسیده به مکتب انفجار دوم در دو قدمی او رخ می‌دهد و فعلا شنوایی‌اش را از دست داده است. وحشت، اندوه و شاید هم خشمی که از صورتش می‌بارد مانع می‌شود چیزی ازش بپرسم. اگرچند او خوشحال است که حداقل فرزندانش زنده مانده‌اند اما همچنان نگران سلامت روحی فرزندانش است.

ساعت ۹ صبح روز یک‌شنبه‌ی ماتم‌زده‌ی کابل است. در کنار قبرستان عمومی غرب کابل در شهرک امید سبز یک گورستان دیگر اضافه شده است. روی تپه بلند در سمت چپ قبرستان «شهدای جنبش روشنائی»، گورکن‌ها از صبح زود این‌جا آمده‌اند و قبرهای زیادی در کنار هم در یک ردیف کندن‌اند. هنوز تعداد قبرها مشخص نیست. هر چند دقیقه بعد یکی دو قبر اضافه می‌شود. افراد زیادی گروه گروه در حال بالا رفتن و پایین آمدن از شیب تند تپه است. آن‌هایی که بالا می‌روند جنازه‌ای را برای دفن یا خود حمل می‌کنند. آن‌هایی که پایین می‌روند، جنازه‌ای را دفن کرده‌اند. در هر دو حالت نفس بالا رنده‌ها و پایین رنده‌ها می‌گیرد. بعضی‌ها از بالا شدن نفس کم می‌آورند و بسیاری‌های دیگر از غم و درد عزیزان دست‌رفته‌شان.

روی تپه پُر شده از آدم‌های معمولی که جنازه‌های اعضای خانواده، بستگان و آشنایان‌شان را بر دوش‌شان کشیده و آورده‌اند که زیر خاک کنند؛ با پیرهن‌های محلی و خاک‌خورده و دستارهای خطدار و شال‌های چهارخانه دور سرشان را محکم بسته‌اند؛ با چهره‌های مغموم و رنج‌کشیده؛ با چشم‌های نم‌زده و کم‌سو که تمام شب را گریسته‌اند. هیچ مقام

تحریک طالبان پاکستان ادعا کرد که هدف حمله انتحاری در هتل سرینا «مقامات عالی رتبه از جمله مأموران پولیس» بوده است. با این حال، اعتقاد بر این است که چین هدف این حمله بوده است. تونگ رونگ، سفیر چین در پاکستان و سایر مقامات چینی از جمله سرکنسول چین در کراچی در روز حمله در هتل سرینا اقامت داشتند، گرچه در لحظه انفجار در آن‌جا حضور نداشتند. به گفته سفارت پاکستان در بیجینگ، این حمله دقیقاً قبل از بازگشت مقامات چینی به هتل اتفاق افتاد. این نیز نشان می‌دهد که چرا به احتمال زیاد هدف حمله در هتل سرینا سفیر چین و هیئت همراه وی بوده است.

برای تلاش اخیر تحریک طالبان پاکستان به منظور هدف قراردادن منافع چین، می‌توان چند توضیح ارائه کرد. یکی ظلم و ستم چین بر مسلمانان اوغور است که تحریک طالبان پاکستان در گذشته آن‌را محکوم کرده است. برای مثال در سال ۲۰۱۲، این گروه مسئولیت کشتن یک جهان‌گرد چینی را در پشاور پاکستان به عهده گرفت و آن‌را «انتقام» در برابر رفتار دولت چین با مسلمانان در استان سین‌کیانگ توصیف کرد. علاوه بر این، تحریک طالبان پاکستان با این تلاش‌های خود احتمالا منافع گسترده چین را در پاکستان هدف قرار می‌دهد. بیجینگ به عنوان بخشی از «دالان اقتصادی چین و پاکستان»، میلیاردها دلار را روی مجموعه‌ای از پروژه‌های زیربنایی در پاکستان سرمایه‌گذاری کرده است. پروژه‌های چین در بلوچستان نقش اساسی را در موفقیت دالان اقتصادی چین و پاکستان ایفا می‌کند و حمله به این پروژه‌ها و اتباع چینی باعث «به تأخیر افتادن یا کنشدن» پیشرفت پروژه‌های دالان اقتصادی چین و

هنيه در نامه به خامنه‌ای خواستار «موضع قاطع» عليه اسرائيل شد

درگیری‌ها در بیت‌المقدس؛

در نزدیکی مرز با غزه، خبر داده است. گمان می‌رود این حریق بر اثر پرتاب این بالن‌های آتش‌زا روی داده باشد. ناآرامی‌های اخیر در بیت‌المقدس پس از آن آغاز شد



که شماری از ساکنان فلسطینی در محله «شیخ جراح» بیت‌المقدس شرقی برای احداث شهرک‌های یهودی‌نشین از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند.

شماری از نهادهای بین‌المللی اقدام اخیر اسرائیل را محکوم کرده‌اند. با این حال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، گفت کشورش فشارهای بین‌المللی برای توقف شهرک‌سازی در بیت‌المقدس را قاطعانه رد می‌کند. نتانیاهو همچنین درباره اعتراض‌های اخیر در بیت‌المقدس گفت: «اسرائیل برای رعایت قانون و نظم در اورشلیم به شیوه مسئولانه رفتار می‌کند و همزمان آزادی عبادت را نیز تضمین می‌کند.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه، پولیس اسرائیل روز یکشنبه اعلام کرد که دسترسی به مرکز بیت‌المقدس را برای برقراری آرامش محدود کرده است.

گروه حماس از فلسطینیان خواسته است تا روز پنجشنبه، پایان ماه رمضان، به حضور در خیابان‌ها ادامه دهند.

به بیمارستان انتقال یافتند. پولیس اسرائیل نیز از زخمی شدن دست‌کم یکی از نیروهای خود خبر داده است. در درگیری‌های شامگاه جمعه نیز دست‌کم دویست نفر زخمی شده بودند.

پرتاب راکت و بالن‌های آتش‌زا از غزه

ارتش اسرائیل می‌گوید در واکنش به پرتاب راکت از سوی نوار غزه، نیروی هوایی این کشور «یک پایگاه نظامی حماس» در جنوب نوار غزه را هدف قرار داد.

به گفته ارتش اسرائیل، صبح یکشنبه یک راکت از نوار غره به سوی خاک اسرائیل شلیک شد و در یک فضای باز فرود آمد.

همچنین به گزارش خبرگزاری فرانسه، شامگاه شنبه نیز بالن‌های آتش‌زا از غزه به سمت جنوب اسرائیل پرتاب شدند.

ارتش اسرائیل از وقوع یک مورد آتش‌سوزی در اشکنون،

اطلاعات روز: همزمان با تازه‌ترین درگیری‌ها میان پولیس اسرائیل و فلسطینیان در بیت‌المقدس که ده‌ها زخمی برجای گذاشته، اسماعیل هنیه، رییس دفتر سیاسی گروه حماس، در نامه‌ای به علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، خواستار «واکنش قوی» علیه اسرائیل شد.

هنیه در این نامه که ترجمه فارسی آن روز یکشنبه ۱۹ ثور در رسانه‌های ایران منتشر شد، درباره «پیامدهای خطرناک» درگیری‌های اخیر هشدار داده و خواستار «تحرك فوری برای اتخاذ موضعی قاطع» و همچنین «بسج مواضع اسلامی و دیپلماسی عربی، اسلامی و بین‌المللی» علیه اسرائیل شده است.

به‌نقل از ایران اینترنشنال، درگیری بین پولیس اسرائیل و فلسطینیان در بیت‌المقدس شامگاه شنبه نیز همزمان با برگزاری مراسم «شب قدر» برای دومین روز پیاپی ادامه یافت و به گفته هلال احمر تشکیلات فلسطینی، دست‌کم ۸۰ زخمی برجای گذاشت که ۱۴ نفر از آنان

ایران گزارش‌ها درباره اعزام جنگ‌جویان سوری به یمن توسط سپاه پاسداران را تکذیب کرد

کنند. آناتولی به نقل از منابع محلی گزارش داده بود که این جنگ‌جویان پس از یک هفته آموزش در صنعا، پایتخت یمن، به مناطق درگیر در این کشور جنگ‌زده اعزام شوند.

آن‌ها اشاره کردند که بسته به عملکرد گروه اول نظامیان اعزامی، ممکن است جنگ‌جویان بیشتری در آینده نزدیک به یمن اعزام شوند.

علاوه بر علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران نیز در سال‌های اخیر بارها بر کمک‌رسانی و حمایت از «حوثی‌ها» و «مردم یمن» تاکید کرده‌اند.

اخیرا نیز رستم قاسمی، معاون اقتصادی سپاه قدس، طی مصاحبه‌ای با بخش عربی شبکه «راشا تودی» روسیه تایید کرد جمهوری اسلامی «به صورت محدود تسلیحات در اختیار حوثی‌ها قرار داده و به آن‌ها آموزش نظامی می‌دهد.»

هر چند وزارت امور خارجه ایران بعدا این سخنان را «خلاف واقعیت» خواند و رد کرد، اما نماینده ویژه امریکا در امور یمن گفت «حمایت ایران در حوثی‌های یمن کاملا چشمگیر و مبرگر است.»

اطلاعات روز: یک روز پس از گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه درباره اعزام جنگ‌جویان سوری به یمن توسط سپاه پاسداران، سفارت ایران در ترکیه این گزارش را رد کرد و آن را نشانه کم‌اطلاعی از «واقعیت‌های میدانی» خواند.

سفارت ایران در انکارا روز یکشنبه ۱۹ ثور در صفحه توئیترش نوشت این سفارت خبر خبرگزاری آناتولی «مبنی بر انتقال جنگ‌جو از سوریه به یمن توسط نیروهای نظامی ایران را از اساس تکذیب می‌کند و خاطر نشان می‌سازد چنین ادعایی نشانه کم‌اطلاعی از واقعیت‌های میدانی است.»

خبرگزاری آناتولی روز شنبه در گزارشی به نقل از منابع محلی نوشته بود سپاه پاسداران حدود ۱۲۰ جنگ‌جوی سوری را کمک به حوثی‌ها به یمن اعزام کرده است.

به‌نقل از ایران اینترنشنال، بر اساس این گزارش، پیش از این هم منابع محلی دیگری تایید کرده بودند این جنگ‌جویان اعضای گروه‌های «تورویستی» مورد حمایت ایران در استان دیرالزور در شرق سوریه هستند و قرار است ماهانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار حقوق از جمهوری اسلامی دریافت

اتهام فروش «دسترس‌ی تجاری به کرملین» علیه پسرعموی ملکه بریتانیا

در این بیانیه گفته شده مارکی ردینگ، در این ویدیو «ظواهر نظریاتی کرده که شاهزاده مایکل نه می‌خواهد و نه قادر است آن را برآورده کند.»

سندی تایمز و کانال ۴ می‌گویند مارکی درباره شاهزاده مایکل گفته که او می‌تواند با آقای پوتین دیدار کند و نمایندگی شرکتی را که در واقع گزارشگران این تحقیق ساخته بودند، به عهده بگیرد.

به گزارش این رسانه‌ها مارکی هشدار داده که خدمات شاهزاده در این زمینه «محرمانه» خواهد بود و افزوده «ما اینجا تا حدی با ملاحظه گفت‌وگو می‌کنیم چون نمی‌خواهیم همه جهان بفهمند که او تنها برای دلایل تجاری با پوتین ملاقات می‌کند.»

گزارشگران می‌گویند که مارکی ردینگ به آنها گفته است که هزینه شاهزاده مایکل برای سفری پنج روزه به روسیه ممکن است حدود ۵۰ هزار پوند (حدود ۷۰ هزار دلار) شود.

بر اساس این گزارش‌ها، این پیشنهاد هم ظاهرا از طرف شاهزاده مایکل مطرح شده که به ازای دریافت ۲۰۰ هزار دلار، در یک سخنرانی ضبط شده از خانه‌اش در کاخ کنزینگتون، از شرکت ساختگی خبرنگاران اعلام حمایت کند.

اطلاعات روز: رسانه‌های بریتانیایی ویدیویی از شاهزاده مایکل، پسرعموی ملکه الیزابت، منتشر کرده‌اند که در آن می‌گوید حاضر است در ازای دریافت مبلغی هنگفت، دسترسی به کاخ کرملین و حکومت روسیه را برای مشتریان تجاری فراهم کند. روزنامه‌نگاران سندی تایمز و کانال چهار بریتانیا در جریان تحقیقات مخفی درباره این موضوع، خود را نمایندگان شرکتی از کره جنوبی جا زدند که در کار معامله طلا است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، در فیلمی که از این جلسه ضبط شده، شاهزاده مایکل ۷۸ ساله -که ارتباط خانوادگی با روسیه دارد- با دریافت هزاران دلار در روز برای دادن دسترسی به کرملین موافقت می‌کند.

به گزارش رسانه‌ها، مارکی ردینگ، دوست و پیشکار شاهزاده مایکل، بعد از این جلسه او را «سفیر غیررسمی ملکه در روسیه» توصیف کرده است.

پرنس مایکل اتهام‌ها علیه خود را رد کرده است. دفتر او در بیانیه‌ای گفته است که شاهزاده مایکل از سال ۲۰۰۳ هیچ دیداری با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نداشته است.

بقیای موشک فضایی سرگردان چین در اقیانوس هند سقوط کرد

زمین قلمرو این کشور را تهدید نمی‌کند.

جن ساکی، سخن‌گوی کاخ سفید، روز چهارشنبه ۱۵ ثور کشورها را به «رفتار مسئولانه» در فضا فراخواند و آن را باعث تضمین امنیت و ثبات بین‌المللی عنوان کرد. ساکی گفت امریکا خواهان ارتقای «رفتار مسئولانه در فضا» است.

چین سابقه‌ای طولانی در رها کردن تجهیزات فضایی‌اش دارد و اجازه می‌دهد هر جا خواستند فرود بیایند. موشک‌های مرکز شی‌چانگ، یکی از مراکز اصلی پرتاب موشک در چین، واقع در ایالت سی‌چوان، مرتب در مناطق روستایی سقوط می‌کند و هرازگاهی خسارت به بار می‌آورد.

چین پس از آن، پرتاب موشک‌هایش را به محلی جدید در ون‌چانگ در هه‌نان، جزیره‌ای در جنوب‌شرقی منتقل کرد، جایی که بقیای پرتاب بی‌خطر در آب بیفتند. موشک سرگردان چند روز اخیر که اکنون در اقیانوس هند سقوط کرده است نیز از همان نقطه پرتاب شد.

در سال ۲۰۲۰، در اولین پرتاب لانگ مارچ ۵بی، موتور موشک در «بازگشتی مهارنشده»، بر روستایی در ساحل عاج فرود آمد. جیم براینشتاین، یک مقام ناسا، ضمن اشاره به احتمال خطر، افزود: «از این لحاظ که ظاهرا به کسی

موشک ۲۳ تنی ساخت چین، «لانگ مارچ ۵بی» که هفته گذشته برای حمل بخشی از ایستگاه فضایی جدید چین به فضا پرتاب شده و از مدار زمین خارج شده بود، سرانجام یکشنبه ۱۹ ثور به جو زمین بازگشت و در بالای اقیانوس هند، نزدیک مالدیو، سقوط کرد.

قسمت اصلی موشک، که «ماژول» را به ایستگاه فضایی جدید چین می‌برد، توانست به مدار زمین برسد؛ اما پس از آن، آرام‌آرام به سوی جو زمین کشیده شد. سازمان ملی فضایی چین، گفت که در جریان سقوط بر فراز اقیانوس هند، قسمت بزرگ این موشک در بازگشت به جو زمین متلاشی شد و از بین رفت.

به‌نقل از ایران اینترنشنال، برنامه فضایی چین در شش ماه گذشته به دستاوردهایی از جمله بازگرداندن موشک از ماه و قرار دادن یک سفینه فضایی در مدار مریخ دست یافت اما برنامه فضایی این کشور همچنان برای ساکنان سیاره زمین خطرناک است و چین از مهار مسیر موشک‌هایی که پرتاب می‌کند در مانده است.

امریکا و روسیه هر دو مسیر این موشک را دنبال می‌کنند. روسیه با انتشار بیانیه‌ای، اعلام کرد بازگشت موشک به



اطلاعات روز: بخشی از موشک چینی که پس از پرتاب به فضا از کنترل خارج شده و محل برخورد آن با زمین نامعلوم بود، سرانجام صبح یکشنبه وارد جو زمین شد و در غرب مالدیو در اقیانوس هند سقوط کرد و متلاشی شد.

سازمان ملی فضایی چین صبح یکشنبه به وقت محلی با تایید سقوط این موشک، اعلام کرد که قسمتی از بزرگ‌ترین

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

• واعد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آر: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۶۷۴۳۵۷۷۷

توزیع: کنون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

خبرکوتاه

مارکوس آلونسو:
پنالتی آگوترو به ما
شانس دیگری داد

مارکوس آلونسو، مدافع اسپانیایی چلسی معتقد است این تیم برابر منچستر سیتی لایق کسب پیروزی بوده است. چلسی شنبه شب اگرچه در ابتدا از سیتی عقب افتاده بود، اما با درخشش در نیمه دوم و گل دقیق پایانی مارکوس آلونسو موفق به کسب پیروزی در این دیدار شد. سیتی فرصت داشت در اواخر نیمه اول برتری خود را دو برابر کند، اما پنالتی چپ سرخیو آگوترو در اختیار ادواردو مندی قرار گرفت و مارکوس آلونسو معتقد است این صحنه نقش مهمی در پیروزی چلسی داشته است. مارکوس آلونسو گفت: «من بسیار خوشحالم، زیرا فصل سختی داشته ایم. من هر بار که بازی می کنم تمام تلاشم را می کنم تا سرمربی را تحت فشار قرار دهم تا بیشتر به من میدان بدهد. گلزنی برابر سیتی بسیار احساسی و شیرین بود و من از این بابت بسیار خوشحالم. ما بعد از خراب شدن پنالتی سرخیو آگوترو و ضربه چپ او فرصت دوباره ای برای زندگی و کسب پیروزی برابر منچستر سیتی پیدا کردیم. پس ما در ادامه موفق به استفاده از این شانس و کسب پیروزی مقابل سیتی شدیم. ما در پنج دقیقه پایانی نیمه اول کمی آشفته و بدون نظم بازی کردیم، اما در نیمه دوم نمایش درخشانی برابر سیتی ارائه داده و در کل تصور می کنم لایق کسب سه امتیاز در این دیدار بودیم.

چلسی در نیمه دوم عملکرد بسیار خوبی داشته و موفق به کنترل جریان مسابقه شد. ما موقعیت هایی برای گلزنی داشتیم و حتی یک گل ما نیز مردود اعلام شد، اما ما تا لحظه آخر باور داشتیم که می توانیم به پیروزی دست پیدا کنیم. چلسی اخیرا عملکرد فوق العاده ای داشته و ما باید در ادامه نیز سخت تلاش کنیم، زیرا بهترین اتفاقات همچنان در راه است.»

«رنال به من همه چیز داده»
رنال نگران نیست؛ زیدان می ماند

عده دارد. او، پس از اینکه زمان زیدان در مادرید به سر آمد، گزینه ای ایده آل برای نشستن روی نیمکت رئال مادرید است. او یک سرمربی با همان استایل و سبک زیدان است: می داند چطور رختکن را کنترل کند، با رسانه ها چطور کنار بیاید و احترام تمام رئالی ها را نیز به عنوان اسطوره مادرید دارد. این همان فرمول موفقیت زیدان بود. در پایان فصل سرمربی فرانسوی باید با رئالی ها به مذاکره بنشیند، اما با توجه به

عده دارد. او، پس از اینکه زمان زیدان در مادرید به سر آمد، گزینه ای ایده آل برای نشستن روی نیمکت رئال مادرید است. او یک سرمربی با همان استایل و سبک زیدان است: می داند چطور رختکن را کنترل کند، با رسانه ها چطور کنار بیاید و احترام تمام رئالی ها را نیز به عنوان اسطوره مادرید دارد. این همان فرمول موفقیت زیدان بود. در پایان فصل سرمربی فرانسوی باید با رئالی ها به مذاکره بنشیند، اما با توجه به

هیچ کدام از سه گزینه جانشینی زین الدین زیدان در رئال مادرید، آلگری، لو و راتول، هنوز تماسی از سوی این باشگاه دریافت نکرده اند. سیدپوشان پایتخت اسپانیا از ادامه مسیر خود با سرمربی فرانسوی شان مطمئن هستند.

زیدان در واکنش به سوالی که در هفته های گذشته بارها و بارها از او پرسیده شده نیز بالاخره مجبور به پاسخگویی شد. سوال این بود: «آیا در فصل بعد هم روی نیمکت رئال خواهد نشست؟»

زیدان پاسخ داد: «من کار را برای باشگاه آسان خواهم کرد. مادرید به من همه چیز داده است.»

پیش از این اما زیدان از دادن پاسخ روشن طفره می رفت و تنها به گفتن «خواهیم دید» بسنده کرده بود. واقعیت این است که زیدان تا سال ۲۰۲۲ با رئالی ها قرارداد دارد و آنچه

که او در این فصل با تیم آسیب دیده از شیوع ویروس کرونا مادرید انجام داده نیز جای تقدیر دارد. آس گزارش کرده است که رئال مادرید با هیچ کدام از گزینه های جانشینی زیدان وارد مذاکره نشده است. این باشگاه با آلگری تماسی نگرفته و همچنین با

برای رسیدن به چمپیونزلیگ؛

تیاگو: لیورپول به یک معجزه کوچک نیاز دارد

چهار پیروزی از چهار مسابقه باقی مانده برای حضور قرمزها در چمپیونزلیگ کافی باشد، اما تیاگو که اولین گل خود برای لیورپول را شنبه شب به ثمر رسانده، چندان از این مسئله مطمئن نیست.

تیاگو گفت: «با این شانس اندکی که داریم باید تا آخرین لحظه بجنگیم. گل زدن برای لیورپول احساس فوق العاده ای است اما مهمترین چیز کسب سه امتیاز بازی است. ما همچنان به جنگیدن برای یک معجزه کوچک ادامه خواهیم داد.

فکر می کنم در گذشته شانس هایی داشتیم که از آنها استفاده نکردیم اما این درجه همچنان به روی ما باز است بنابراین سعی می کنیم که از آن عبور

چمپیونزلیگ در فصل بعد، زنده بماند. تیاگو آلکانتارا احساس می کند که لیورپول نیاز به یک معجزه کوچک دارد تا بتواند شرایط حضور در فصل بعد از چمپیونزلیگ را به دست بیاورد.

پس از تساوی برابر لیدز و نیوکاسل، لیورپول با پیروزی ۲-۰ ساوتهمپتون در شنبه شب موفق شد تا امیدهای خود برای حضور در چمپیونزلیگ را بار دیگر زنده کند.

قرمزها برای به دست آوردن رده ای در تاپ فور نه تنها باید در هر چهار بازی باقی مانده خود پیروز شوند، بلکه باید امیدوار به لغزش لستر و وستهام نیز باشند.

یورگن کلوپ پس از پیروزی برابر ساوتهمپتون گفت که به نظرش کسب



تیاگو آلکانتارا، هافبک اسپانیایی لیورپول، در پیروزی برابر ساوتهمپتون یکی از دو گل تیمش را به ثمر رساند تا امید قرمزها برای حضور در

اعلان داوطلبی

پروژه تدارک قرطاسیه باب اداره مرکزی IDLG/OB/NCB/G/04/1400

اداره مستقل ارگانهای محلی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی (پروژه تدارک قرطاسیه باب ریاست های مرکزی اداره مرکزی اداره مستقل ارگانهای محلی) از بابت سال مالی ۱۴۰۰ این اداره اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) به شکل رایگان از مدیریت عمومی تدارکات، آمریت تدارکات و یا هم وبسایت اداره محترم تدارکات ملی www.npa.gov.af بدست آورده آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی مدت ۲۱ روز تقویمی به آمریت تدارکات این اداره واقع تعمیر اسبق وزارت معادن محوطه اداره امور ارایه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل قبول اداره نمی باشد. تضمین آفر بصورت تضمین بانکی به مبلغ (۱۸۰۰۰۰) یک صد و هشتاد هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشای به روز (دوشنبه) مورخ ۱۰/۳/۱۴۰۰ ساعت (۲) بعد از ظهر در آمریت این اداره تدویر می گردد.

نوت: داوطلبان علاقمند در پروسه آفرگشایی باید حد اقل دو روز قبل از ضرب العجل تسلیمی آفر به شماره ۰۷۹۷۴۹۸۸۴۹ یا به ایمیل آدرس sabawoonkhan1995@gmail.com به تماس شده تا مشخصات شان جهت اجازه ورود به جلسه آفرگشایی با بخش امنیتی شریک گردد. بدینوسیله تقاضا به عمل می آید تا بعد از نشر اعلان مراتب فوق، کتنگ آن را جهت اجراءات بعدی ارسال خواهند فرمود.

اعلان داوطلبی

پروژه تدارک لوازم دفتری و رنگ باب اداره مرکزی IDLG/OB/NCB/G/05/1400

اداره مستقل ارگانهای محلی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی (پروژه تدارک لوازم دفتری و رنگ باب اداره مرکزی اداره مستقل ارگانهای محلی) از بابت سال مالی ۱۴۰۰ این اداره اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) به شکل رایگان از مدیریت عمومی تدارکات، آمریت تدارکات و یا هم وبسایت اداره محترم تدارکات ملی www.npa.gov.af بدست آورده آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی مدت ۲۱ روز تقویمی به آمریت تدارکات این اداره واقع تعمیر اسبق وزارت معادن محوطه اداره امور ارایه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل قبول اداره نمی باشد. تضمین آفر بصورت تضمین بانکی به مبلغ (۷۵۰۰۰) هفتاد و پنج هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشای به روز (دوشنبه) مورخ ۱۰/۳/۱۴۰۰ ساعت (۱) بعد از ظهر در آمریت این اداره تدویر می گردد.

نوت: داوطلبان علاقمند در پروسه آفرگشایی باید حد اقل دو روز قبل از ضرب العجل تسلیمی آفر به شماره ۰۷۹۷۴۹۸۸۴۹ یا به ایمیل آدرس sabawoonkhan1995@gmail.com به تماس شده تا مشخصات شان جهت اجازه ورود به جلسه آفرگشایی با بخش امنیتی شریک گردد. بدینوسیله تقاضا به عمل می آید تا بعد از نشر اعلان مراتب فوق، کتنگ آن را جهت اجراءات بعدی ارسال خواهند فرمود.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

قیمت: ۲۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



استراتژی‌هایی برای پیشگیری و مواجهه با حملات تروریستی

حسین‌علی کریمی

زبان انسان از توصیف عمق فاجعه‌ای که مقابل مکتب سیدالشهدا در غرب کابل رخ داد، ناتوان است. یافته‌های ابتدایی نشان می‌دهد که در این حادثه‌ی تروریستی بیش از ۵۰ نفر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر زخمی شده‌اند. البته که عمق فاجعه بیش از این است و اعداد نمی‌تواند عمق فاجعه را بیان کند. چرا که به همراه این تعداد از کشته‌شدگان و مجروحان، خانواده‌های زیادی درگیر زخم‌های به‌جامانده از فاجعه‌اند. بنابراین لازم است که استراتژی‌های امنیتی مردم در غرب کابل با توجه به تغییر و تحولات امنیتی، بروزرسانی شوند. همچنین لازم است تا برای این منطقه به‌صورت جداگانه یک استراتژی امنیتی جامع تدوین شود. واضح است که دولت قادر نیست امنیت مردم را در این منطقه از کابل تأمین کند. لذا مردم باید در این منطقه خود آستین‌های‌شان را برای تأمین امنیت بالا ببرند و سهم جدی در تأمین امنیت‌شان ایفا کنند.

آنچه که بیان شد به این معنی نیست که دولت و نهادهای امنیتی و استخباراتی ما دامن‌شان از فاجعه‌ی به‌وجودآمده، پاک است. ابتدایی‌ترین وظیفه هر دولتی، تأمین امنیت شهروندان است. آن‌هم شهروندانی محروم و ستمدیده که در بدترین شرایط ممکن در حاشیه‌ی شهر زندگی می‌کنند. بیانیه‌های احساسی و غم‌شیرکی مسئولان دولتی و نهادهای امنیتی، دردی از مردم دوا نمی‌کند. هیچ شکی نیست که مقصر اصلی این فاجعه دولت و نهادهای امنیتی ماست. مردم از وزیر داخله انتظار ندارند که در ماه رمضان خرما پخش کند، بلکه انتظار دارند امنیت آن‌ها را تأمین کند. وزیر می‌کند که درکش از خدمت‌رسانی به مردم، توزیع خرما است، نه فهم درستی از وظیفه‌اش دارد و نه درک درستی از مفهوم تأمین امنیت. بنابراین دولت مکلف است با همکاری با مردم غرب کابل، استراتژی تازه‌ی امنیتی را ایجاد کند. این حداقل‌ترین وظیفه‌ی این دولت بی‌کفایت است.

جدای از بحث ضرورت تدوین استراتژی جامع امنیتی برای مردم غرب کابل، مهم‌ترین مسأله در شرایط جنگ و صلح کنونی برای مردمی که پی‌درپی مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرند، داشتن آمادگی، حساسیت و آگاهی برای جلوگیری و مواجهه با رویدادهای تروریستی و سپس نوع برخورد با این حوادث است. مردم، بزرگان قومی، ملا امامان مسجد، نهادهای آموزشی، کودکان، زنان و همه کسانی که در غرب کابل زندگی می‌کنند باید بدانند که دولت به هر دلیلی قادر نیست امنیت آنان را تأمین کند. لذا نباید از دولت و نیروهای امنیتی توقع وسیعی داشته باشند. آنها باید حساسیت‌شان را نسبت به موارد مشکوک محل زیست‌شان افزایش دهند تا با این حساسیت‌ها، آسیب‌پذیری‌شان در مقابل حملات تروریستی کاهش یابد.

واکنش مردم به حائیه‌ی تروریستی کورس کوثر و موعود و همین طور حادثه اخیر، نشان داد که آن‌ها هنوز هم در مواجهه با حملات تروریستی، آمادگی‌های لازم را ندارند. این ضعف و ناهوشیاری، موجب می‌شود که تروریستان از آن به نفع خود استفاده کنند و فاجعه خلق کنند. بنابراین لازم است که مردم سطح هوشیاری و آمادگی‌های‌شان را افزایش دهند. از فجاج



مشارکت و هماهنگی همه نهادها و گروه‌های اجتماعی

امروزه تاکتیک‌های تروریست‌ها برای خلق فاجعه به‌شدت توسعه یافته است. مهم‌ترین هدف آن‌ها ایجاد وحشت، ترس، دلهره و ناامیدی است. بنابراین هر چقدر میزان قربانیان در یک حادثه‌ی تروریستی بیشتر باشد، آن‌ها به هدف خود رسیده‌اند. آگاهی از این امر مهم است. این مسأله می‌تواند ما را در محافظت از نهادها و اجتماعات‌مان یاری کند. نهادها و شبکه‌های اجتماعی‌ای که در بطن جامعه فعالیت می‌کنند باید در یک ارتباط پیوسته و مستمر با یکدیگر باشند تا بتوانند هم از وقوع حادثه جلوگیری کنند و هم پس از حادثه به سرعت به کمک مردم بشتابند. ارتباط و پیوستگی آنان می‌تواند ابزاری قدرتمندی برای جلوگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از حادثه باشد. شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای متنوع آن‌ها می‌تواند برای تأمین این هدف مفید باشد.

افزایش آمادگی ذهنی

به‌دلیل کاهش درد و رنج ناشی از حوادث تروریستی، مردم به‌صورت طبیعی تمایل دارند تا جزئیات حادثه را فراموش کنند. این اشتباه است. خطر حمله‌ی تروریستی همیشه در کمین است. آمادگی ذهنی و حساسیت‌داشتن به مردم، قدرت پیش‌بینی و تصمیم‌گیری بهتری به آنان می‌دهد. این آمادگی موجب می‌شود تا سطح هوشیاری مردم افزایش یابد و در هنگام وقوع حادثه، غافل‌گیر نشوند. همچنین آمادگی ذهنی و حساسیت‌داشتن باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به موقعیت مشکوک، افراد بیگانه، ابزارهای ناشناخته، اجسام غریب و ... با عینک بدبینی نگاه کنند. این بدبینی، آمادگی ذهنی و قدرت تحلیل و پردازش آن‌ها را نسبت به موقعیت‌های خطر افزایش می‌دهد. بنابراین باعث می‌شود آن‌ها قبل از رویداد تروریستی و بعد از آن عملکرد بهتری داشته باشند.

آموزش عمومی

برای مردمی که پیوسته مورد حمله قرار می‌گیرند و خطر انتحار و انفجار و مرگ آن‌ها را تهدید می‌کند، ضروری است تا مهارت‌هایی را برای زیستن در میانه‌ی جنگ و صلح بیابند. این آموزش‌ها به آن‌ها کمک خواهد کرد تا در موقعیت‌های خطر، تصمیم خلاقانه‌تری برای مواجهه با خطر

این یک واقعیت است که دولت مسئول مستقیم تأمین امنیت شهروندان و حفظ جان آن‌هاست. با وجود این، تجربه‌ی زیسته در افغانستان نشان داده که دولت توانایی چشم‌گیری در تأمین امنیت مردم و جلوگیری از رویدادهای تروریستی ندارد. بنابراین ایجاب می‌کند مردم برای حفظ جان‌شان، خود وارد میدان شوند.

تروریستی مواجهه است، اولین قدم است. اکنون برای مردم غرب کابل مثل روز باید روشن است که آن‌ها هدف مهم برای گروه‌های تروریستی هستند. حادثه‌ی تروریستی پیش روی مکتب سیدالشهدا نشان داد که توحش و خشونت گروه‌های تروریستی هیچ انتهای ندارد. در واقع انفجار موتربمب پیش روی مکتب و انفجار دو مین جاسازی‌شده پس از حادثه، شر مطلق و نهایت رذیلت انسانی است. کودکان، زنان، کهنسالان و در مجموع هیچ موجود زنده‌ای در غرب کابل از دایره‌ی خشونت و اهداف گروه‌های تروریستی در امان نیست. به‌نظر می‌رسد آنچه برای گروه‌های متوحش تروریستی دارای اهمیت است، میزان فاجعه‌ای است که با حمله تروریستی خلق می‌شود. هرچه دامنه‌ی این حملات، هزینه‌های انسانی و مادی بیشتری داشته باشد، آن‌ها به هدف خود رسیده‌اند.

با توجه به شدت حملات تروریستی، تکرار فاجعه و هدف قرارگرفتن ممتد مردم غرب کابل، بی‌درنگ لازم است که دولت و نهادهای امنیتی و استخباراتی ما تمام رویکردهای امنیتی خود را درباره‌ی این منطقه‌ی محروم و ستمدیده‌ی شهر کابل بازبینی کنند و یک استراتژی واقع‌بینانه را برای حفظ امنیت و جان و مال مردم این منطقه طراحی کنند. این استراتژی امنیتی باید با کمک مردم غرب کابل، به‌خصوص ناحیه ۱۳، تهیه و به سرعت اجرایی شود. این مسأله، وظیفه‌ی انسانی و اخلاقی دولت و نهادهای امنیتی است. اگر این استراتژی تدوین نشود، پیامد هر حادثه ناگواری مستقیماً به‌دوش دولت و نهادهای امنیتی است.

و یا پیشگیری از آن بگیرند. تصور این‌که مرگ دست خداست و کسی از مرگ خود خبر ندارد، اشتباه است. به میزانی که مرگ حق هر انسانی است، زندگی‌کردن نیز حق ماست. بنابراین لازم است تا برای این زندگی جنگید. آموزش گروه‌های مختلف اجتماعی و کسانی که در معرض خطرند، اساس استراتژی‌های مقابله با حوادث تروریستی است. از بستر بسیاری از نهادهای اجتماعی مانند مکتب، نهادهای آموزشی و مساجد می‌توان برای آموزش و افزایش آگاهی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با حوادث تروریستی استفاده کرد. علمای دینی ما باید در کنار سایر مباحث خود در مساجد، مردم را برای سطحی از آمادگی در مقابل حوادث تروریستی مهیا کنند. همچنین مدیران مکتب، نهادهای آموزشی پیوسته باید مورد آموزش قرار بگیرند. به‌عنوان مثال آن‌ها باید به شاگردان مکتب و نهادهای آموزشی خود نحوه‌ی خروج از این نهادها را آموزش دهند. خروج یکباره و در زمان مشخص اشتباه استراتژیک است و نباید تکرار شود.

آموزش‌های مسلکی به محافظین اماکن و نهادها

بسیاری از محافظین و نیروهایی که وظیفه‌ی تأمین امنیت و پاسبانی از نهادهای آموزشی، مذهبی و ... ما دارند، افرادی گاه سالخورده و فاقد آموزش‌های خاص در این زمینه‌اند. این در حالی است که آمادگی‌های این نیروها که وظیفه‌ی تأمین امنیت نهادهای آموزشی و مذهبی را عهده‌دارند، فوق‌العاده مهم است. این نیروها باید جوان، آموزش‌دیده و مسلکی باشند. به‌سادگی می‌توان این نیروها را آموزش داد. در یک فضای عمومی مانند مسجد یا مکتب می‌توان به‌صورت هفته‌وار یا ماهوار جلسات منظم آموزشی برای آنان برگزار کرد. آموزش به این نیروها کمک می‌کند که حساسیت آن‌ها نسبت به موقعیت‌های خطر و افراد و وسایل مشکوک بالا رود و واکنش به‌موقع آن‌ها می‌تواند ابعاد فاجعه را کاهش دهد.

استفاده از تکنولوژی‌های جدید و دوربین‌های امنیتی

ما باید بدانیم در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که هر لحظه خطر حملات تروریستی در کمین است. بنابراین برای حفظ جان خود و دیگران مؤظفیم از استراتژی‌ها و ابزارهای واقع‌بینانه‌ی استفاده کنیم. سوگواری و فراموشی دردی را از ما دوا نمی‌کند. ما باید بدانیم که در یک وضعیت نابرابر جنگی زیست می‌کنیم. امروزه استفاده از دوربین‌های امنیتی به یکی از متداول‌ترین ابزارهای افزایش امنیت شهروندان تبدیل شده است. در بسیاری از موارد، هزینه‌ی این دوربین‌ها چندان بالا نیست. همچنین استفاده از این دوربین‌ها موجب می‌شود که نیروی انسانی کمتری در خدمت محافظت از مکان‌ها قرار بگیرند. بنابراین هزینه‌کردن برای دوربین‌های امنیتی در شرایط امروز، امری ضروری برای تأمین امنیت است. نکته اساسی در استفاده از این دوربین‌ها، مکان قراردادن آن‌هاست. به‌طوری که نقاط کور به حداقل برسند. مسئولان و مدیران مساجد، مراکز آموزشی، مکتب و ... که با خطر تهدید پیوسته مواجهند، وظیفه دارند تا از این دوربین‌ها استفاده کنند. نباید به‌دلیل هزینه‌ی آن‌ها از استفاده این ابزار مفید غفلت کرد.